

نافرمانی مدنی را به خیابانها بکشانیم

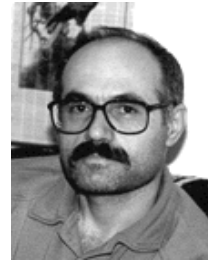
خودشان زنان و مردان و دختر و پسرها باهم میرقصند، مشروب میخورند و شادی میکنند و از زندگی لذت میبرند.

بر هیچکس در خود جمهوری اسلامی هم پوشیده نیست که آنجا که مامور و جاسوس رژیم حضور ندارد نوع دیگری از زندگی در جریان است که تمام و کمال با ایدئولوژی و سنت و فرهنگ و قوانین جمهوری اسلامی مخالفت و متضاد است. نافرمانی است. سرپیچی است. و زدن زیر قوانین اسلامی رژیم است. جمهوری اسلامی از از بدو حیات شومش با تناقض ناخوانی ایدئولوژی و قوانین اسلامی با زندگی واقعی انسان روبرو است. این تناقض قربانیان زیادی بخصوص از زنان گرفته است. سنگسار، شلاق، دستگیری و زندان و

صفحه ۲

خانوادها و در معاشرتها و مراسم ها و آنجا که دیوار خانهها و پرده ها و یا فاصله های مکانی مردم را از رژیم جدا میکند و دور از چشم و دسترس او قرار میدهد. زندگی در جلو چشم رژیم حجاب است، جدا کردن زن و مرد است در وسایل نقلیه عمومی، ممنوعیت رقص و موسیک و شادی و مشروب خوردن است، اما دور از چشم رژیم زنان حجاب را پرت میکنند، آرایش میکنند، لباس مدرن میپوشند، زن و مرد قاطی میشوند پسرو دختر باهم روابط دوستانه و عاشقانه دارند و موسیک شادو غربی گوش میکنند. از ستالیت با جهان آشنا میشوند، در عروسیها و جشنها و مجالس

را توضیح میدهد. نافرمانی و سرپیچی از قوانین مذهبی در ایران، حرکاتی فردی، یا کار گروههای انارشویست نامربوط به جامعه نیست. در عمل مردم در زندگی مردم و در خون مردم است، عمومی و میلیونی است. از همان روزها و ماههای اول عمر ننگین جمهوری اسلامی مردم دو نوع زندگی تحمیلی، تحمیل سنتها و روشها و قوانین اسلامی و استبداد مذهبی بر مردم و تظاهر مردم به رعایت آنها در انظار و حضور نیروهای سرکوبگر رژیم است. و نوع دیگر زندگی، مخالفت و سرپیچی و نفی همان قوانین در پشت پرده، در میان



مظفر محمدی

نافرمانی مدنی اصطلاحی که امروز در فرهنگ سیاسی جامعه ایران وارد شده، در اساس و از همان آغاز کار جمهوری اسلامی وجود داشته است. سرپیچی از قوانین رژیم، زیر بار نرفتن، خلاف آن حرکت کردن و دهن کجی به آن چیزی است که در تمام طول حیات جمهوری اسلامی مناسبات بین رژیم و مردم

باردیگر

نظر به سوی

بغداد

صفحه ۳

دهمین نشست

وسیع

کمیته کردستان

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

زیر برق سر نیزه

(شارلاتانیسم مهتدی، سرسپر دگیشان به اتحادیه میهنی را پرده پوشی نمیکند)

صفحه ۳



رحمان حسین زاده

جمهوری اسلامی کشتار "غیرقانونی" زنان را قانونی کرد

و خیابانی" در دیگر شهرهای بزرگ بی ارتباط با انتشار اخبار قتل مشکوک همکاران آنها در مشهد نیست، * ستاد ویژه رسیدگی به مساله قتل زنان "فاسد" متشکل از نمایندگان از دستگاه قضایی، وزارت کشور و سازمان بهزیستی تشکیل و مامور بررسی ریشه ای این بحران در مشهد شد، * ستاد ویژه وارد عمل شد و در اولین تصمیم این ستاد،

صفحه ۲

احترام بخشید و اقدامات آنان را رسمی و قانونی کرد تا بقول خودشان التهاب ناشی از تکرار عمل "غیر قانونی" و خود سرانه عوامل ناشناس" فروکش کند! کیهان چهارشنبه ۳ مرداد، خبر داد که جمهوری اسلامی در مورد کشف معمای قتل های زنجیره ای زنان در مشهد اقدامی فوری و ریشه ای انجام داده است. این روزنامه نوشت: * کاهش حضور زنان "ولگرد



ثریا شهابی

آدمکشان اسلامی ۱۹ زن بیگناه مشهد را "غیرقانونی" و در خفا کشتند، حکومت آدمکشان قاتلین را عزت و

جمهوری اسلامی کشتار...

مقرر شد زنان "بدکاره و ولگرد" از سطح خیابانهای شهر جمع آوری شوند که این کار از چند روز پیش آغاز شده است، معلوم نیست آیا بهزیستی نگهداری زنان جمع آوری شده را به عهده خواهد گرفت یا آنان را به بازداشتگاه خواهند فرستاد. * با این اقدام: انتظار می رود التهاب ناشی از تکرار عمل "غیر قانونی" و خودسرانه عوامل "ناشناس" فروکش کند. جانیان اسلامی، مجلس و

دولت و وزارت اطلاعات و قوه قضائیه، پس از بندبازی های تهوع آور، بالاخره به جنایاتشان اعتراف کردند و به آن لباس قانونی پوشاندند تا "التهاب ناشی از تکرار عمل غیر قانونی و خود سرانه عوامل ناشناس فروکش کند!" علاوه بر کشتن ۱۹ نفر از زنان صدها نفر از آنان را هم دستگیر کردند تا تب کشتار بخوابد! به این میگویند جمهوری اسلامی! جمهوری اسلامی قانونی و غیر قانونی

یکی است. کانون توحش و جنایت است. اوپاش آدمکش اسلامی در ایران! رئیس جمهور و وزیر و وکیل و قاضی شرع! این قمه کشی ها و آدمکشی ها به نام «اخلاق» و با اتهامات اسلامی زدن به زنان بیگناه و تهی دست مشهد، تنها کوه نفرت مردم ایران از شما و نظامتان را مرتفع تر خواهد کرد. این توحش بی شک بر خشم جهانیان و مردم شریف بیش از پیش خواهد افزود. روزی که مردم ایران به زیرتان بکشند و می

دانید که آن روز دیر نیست، جای تک تک شما به خاطر همه این جنایات در دادگاههای مردم است. مردم آزادیخواه! جمهوری اسلامی به کشتار زنان بیگناه مشهد اعتراف کرده است و آن را قانونی می کند. حمله به این قشر ضعیف نباید بدون پاسخ بماند. به حکومت جنایتکاران اعتراض کنید. حزب کمونیست کارگری ایران- کمپین اعتراض به قتل های زنجیره ای زنان- ثریا شهابی ***

نافرمانی مدنی...

شکنجه پاسخ رژیم و جنگ او علیه آن نوع زندگی است. جمهوری اسلامی علاوه بر گماردن جاسوسان خود در میان مردم، دخالت در زندگی و مجبور کردنشان به رعایت قوانین اسلامی را تا پستوی خانه ها گسترش داده است، اما بیفایده بوده است.

این تناقض روز بروز بیشتر دهان باز کرده و سرانجام از پشت پرده و دیوار خانه ها بیرون آمده است. نافرمانی در سالهای اخیر به خیابانها کشیده شده است. سرپیچی از قوانین اسلامی و دهن کجی به آن و کشمکش مردم با رژیم در این رابطه امروز جزئی از رفتار روزانه مردم است و این دیگر مجالی برای حضور و دخالت ماموران رژیم در زندگی مردم در خانه ها و مجامع و مجالسشان باقی نگذاشته است. دیگر هشدار به زنان از روی دیوار حیاط خانه ها و پشت پنجره ها که، "خانم حجاب اسلامی رعایت کنید"، "موزیک را خاموش کن"، "رقص جمعی را تمام کنید" و یا جستجو برای یافتن آنتن ستلایت در پشت بام خانهها بیفایده است. دیگر هر جوان پسر و دختری، هر آدم مدرن و آزادیخواهی برای رژیم و اسلام یک سمبل و نمونه ضد فرهنگ اسلامی

است. موج و هجوم فرهنگ و زندگی مدرن و متمدن و آزاد اکنون دارد پرده ها را دریده و به خیابانها سرازیر میشود. رژیم اسلامی تا آخرین لحظه های حیاتش شمشیر در هوا میچرخاند، تهدید میکند، دستگیر میکند شلاق میزند و سنگسار میکند. اما چاره ای نیست. این رژیم باید برود تا مردم زندگی کنند.

نافرمانی اسم رمز آزادیخواهی مردم در عمل و جزیی از روند مبارزه برای حذف و نفی قوانین اسلامی و ضد انسانی رژیم است. حلقه ای از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. این حلقه هر روز تنگ و تنگ تر میشود. گسترش نافرمانی گلوی رژیم و قوانین مذهبی و اسلامی را میفشرد.

نافرمانی را باید هرچه بیشتر به خیابانها و اماکن عمومی کشاند. جوانان جسورترین نیروی این مبارزه اند، اما این مبارزه ای عمومی است. یک نافرمانی فردی فوری پشتیبانی عمومی را بهمراه دارد و اجتماعی میشود. برداشتن حجاب و روسری در یک اجتماع مردم با پشتیبانی همه حاضرین و ناظرین روبرو خواهد شد. عکس العمل ماموران رژیم در مقابل نافرمانیها با عمل متقابل مردم روبرو میشود. قاطی شدن ناگهانی جمعی از دختران و پسران در یک

اتوبوس و عکس العمل ماموران رژیم به دخالت دسته جمعی مردم و پس راندن حمله احتمالی آنها منجر میشود و مبارزه را به خیابان میکشاند. گروههای مختلف دختر و پسر که دست در دست هم در مدارس و در میان مردم میگردند و قباحات اسلامی رژیم را با زیبایی زندگی انسانی پاسخ میدهند یا پشتیبانی مردم تشنه زندگی آزاد روبرو خواهد شد.

جوانان مبارز و سوسیالیست و کمونیست و همه آن زنان و مردانی که قلبشان مالا مال نفرت از رژیم و قوانین مذهبی و اسلامی است باید نافرمانی مدنی را هرچه بیشتر به خیابانها، مدارس، داخل اتوبوسها، اماکن عمومی و به میان مردم بکشاند. این نافرمانیها ممکن است در مواردی با حملات هار رژیم مواجه شود اما در بسیاری موارد دیگر منجر میگردد.

و در نتیجه دیوار محدودیت و سنگر بندی اسلامی رژیم در مقابل آزادی و زندگی انسانی مردم دوام نیاورد و فروریخته و فتح میشود. قدوسیت مذهبی قوانین اسلامی شکسته و رسوا میگردد. این زنجیرهای اسارت و حقارت بردست و پای جوانان و زنان و مردان جامعه خواهدگسست.

گامهای اولیه برداشته شده است. هم اکنون زنان درمحلتهای از شهرهای بزرگ و بخصوص در تهران با لباس مدرن و بدون حجاب در محله و خیابانهای اطراف قدم میزنند. با دوچرخه در فروشگاههای خیابانهای نزدیک خرید میکنند و برای ماموران رژیم تره خورد نمیکنند. جمعی از دختران جوان در تظاهراتهای اسفند سنندج روسریها را پرت کردند. در شهرهای بزرگ ایران زنان روسریهای کوچک و نازک را جانشین حجاب اسلامی کردهاند، مانتوهای رنگی و کوتاه میپوشند و با آرایش کامل و زیبا به خیابان میایند. پسران با موهای بلند و سبیلهای تراشیده و لباسهای از مدل جوانان غربی و گروههای معروف (رپ) میپوشند و محدودیتها و دخالت اسلامی در زندگیشان را به مسخره میگیرند. جنبش نافرمانی را باید وسیعتر و عمومی تر و علنی تر کرد. گروههای محرک نافرمانی میتواند تشکیل شوند. گروههای جوانانی که دیگر زیر بار قید و بندهای اسلامی رژیم نمیروند، جدا کردن زن و مرد را در اتوبوسها و اماکن عمومی نمیپذیرند. دخالت مزدوران و قوانین اسلامی در زندگی خصوصیشان و در روابطشان را نمیپذیرند و به دیگران نشان میدهند و از جوانان دیگر میخواهند مثل آنها باشند و مانند آنها رفتار

دست

مذهب

از زندگی

مردم

کوتاه!

کنند. علاوه بر آن و یک راه دیگر گسترش نافرمانی و علنی تر کردن آن، مبارزه با سنتها و فرهنگ اسلامی و ارتجاعی در زندگی مردم و در میان خانواده ها و در مدارس و در جامعه است. و شرط این کار این است که نمایندگان و مدافعین مدرنیسم و مخالفان سنت و فرهنگ ارتجاعی بیشتر و بیشتر شوند، جوانان وسیعا الگوی مدرنیسم در میان مردم گردند. باید در خانواده، اجتماعات و محافل دوستان، در مراسمها و در مدارس و همه جا مردم را به انتخاب الگوهای زندگی آزاد و مدرن فرا خواند. باید زشتی سنتهای ارتجاعی و هرگونه آثار و شواهد آن در رفتار و گفتار و کردار انسانها را خاطر نشان و بر ملا کرد. باید لباس مدرن، موسیقی شاد و غربی، رقص و تفریح و احترام به روابط و مناسبات آزاد انسانها، احترام به برابری زن و مرد را تشویق کرد. روی این که باید جوانان و مردم زندگی کنند و از زندگیشان لذت ببرند پا فشاری کرد. باید دخالت در زندگی خصوصی انسانها را تحت هر بهانه ای تقبیح کرد. باید در مقابل امرو نپی های رژیم ایستاد و نافرمانی کرد و از انسان و انسانیت دفاع کرد. ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱



عبدالله شریفی

جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان، در سفری به شهر حلبچه، روز ۱۳ ژوئیه برای روئسای عشایر، مسئولین و جمعی از مردم آن منطقه سخنرانی کرد. متن این سخنرانی

باردیگر نظر به سوی بغداد

که در روزنامه (کردستانی نووی) ۱۴ ژوئیه منتشر شد، قابل توجه میباید. قبل از پرداختن به محتوای این سخنان، نقل چکیده ای از این سخنرانی را لازم میدانم:

"... باید به صراحت بگویم آنچه تا به حال برای عمران شهر حلبچه انجام داده ایم ناچیز است، صادقانه میگویم که برادران اسلامی (احزاب مسلط اسلامی در شهر حلبچه) مانع هستند، دو سال قبل میخواستیم ۵۰۰

حالا که به توافق رسیده ایم. قرار است حکومت حکمرانی کند، شهردار و پلیس و ارگانهای حکومت همه ریم باید حاکم باشند. هیچ کس بجز ما حق حاکمیت ندارد، تا کنون با پند و نصیحت به آنها گفته ایم مدتی دیگر هم صبر میکنیم بعدا حکومت قانون را تحمیل میکنیم.... اینجا افغانستان نیست، دیگر از کسی قبول نمیکنیم که ماشینهای مردم را متوقف کند و نوارهای موسیقی آنها را کنترل کند، به چه حقی کنترل میکنید که مردم چه نوع موسیقی گوش میکنند.. آیتالله خامنه ای خودش

زیر برق سر نیزه

(شارلاتانیسم مهتدی، سرسپردگیشان به اتحادیه میهنی را پرده پوشی نمیکند)

بینم به همه نکات آن بپردازم، اما مهتدی به آسمان و ریمان چنگ میزند تا بر روی اتیکت ساخت جلال طالبانی و اتحادیه میهنی که بر پیشانی "سازمان زحمتکشانش" حک شده است، پرده بکشد. به این تکه از نوشته مهتدی توجه کنید: "میدانند یکی از ادعاهای این جریان در بازسازی کومهله این بود که گویا در جریان برگزاری کنگره نهم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و کنفرانس بازسازی کومهله ما خواستار دخالت نیروی مسلح اتحادیه میهنی کردستان شده ایم. صدها نفر از پیشمرگان این حزب در جریان اختلافات داخلی در حزب کمونیست ایران و جدایی کومهله اطراف محل کنگره را محاصره کرده و در واقع به زور اسلحه آنها و به قول خودشان در زیر "برق سر نیزه" آنها بوده است که ما توانسته ایم از حزب کمونیست ایران جدا شویم" به نقل از نوشته مهتدی تحت نام (در بر همان پاشنه میچرخد) اینکه زیر برق سر نیزه و حاکمیت میلیشیای اتحادیه میهنی، مهتدی و جماعتش پاگرفتند نه تنها ادعای ما و هر انسان آزاده بلکه حقیقت مسلمی است که خودشان به آن افتخار میکنند و همین الان هم موجودیتشان به آن و حمایت اتحادیه میهنی

عبدالله مهتدی کماکان اصرار دارد پیشقراول شارلاتانیسم و عوامفریبی و دروغ و ضدیت با حقیقت و واقعیات مسلم باشد. مثل اینکه اینها جزو ملزومات کاراکتر سیاسی و شخصی است که در این دوران از حیات سیاسی خود به آنها نیاز دارد. نوشته اخیر او به بهانه پاسخ به ابراهیم علیزاده مملو از هیستری ضدیت با کمونیسم کارگری و منصور حکمت است. کینه و عقدههای تلنبار شده چند ساله اش ترکیب کرده و آنها را ناشیانه بر روی کاغذ آورده و از آن "شاهکار" جالبی عرضه شده است. عبدالله مهتدی کودکانه و به عبث کوشیده است، نقش مستقیم اتحادیه میهنی و جلال طالبانی در ایجاد "سازمان زحمتکشانی" را که او یکی از سرکردگانش است، پرده پوشی کند.

اما نوشته مهتدی خطاب به فرقه معینی نوشته شده است. نیروی سازمانی خودشان و جمع سرگردانی که تحت نام "طرفداران اتحاد کومهله" جست و خیزی دارند. فرضیات و فاکتهای این به اصطلاح نوشته در چارچوب ذهنی این جماعت جایگاه دارد. عوامفریبی و دروغ، وارونه جلوه دادن واقعیات مسلم، کینه توزی و جهالت آشکار حداکثر نزد این جماعت که هویت خود را ضدیت با کمونیسم کارگری تعریف کرده اند میتواند خریداری داشته باشد. در نتیجه لازم نمی

را صادر کردید؟ آیا یادتان رفته است که در اتکا به اتحادیه میهنی و قدرت "سر نیزه" آن جرات کردید علیه کمونیسم کارگری سنگر بندی کنید؟ علیه حزب کمونیست کارگری عراق و تشکلهای توده ای و کارگری و زنان در جامعه کردستان عراق زبان درازی کنید؟ از اینها گذشته مگر قدرت سر نیزه ای اتحادیه میهنی پشتوانه مواجب گیری شما از خود این جریان نبود؟ مهتدی در این نوشته "وجدان انقلابی" این و آن را مخاطب قرار میدهد. "انقلاب" پیشکشان و ربطی به آن ندارید، اما اگر "با وجدان" هستید کلاحتان را قاضی کنید و توضیح دهید اگر "زیر برق سر نیزه" اتحادیه میهنی نبود آیا به جرم دریافت "دهها هزار دلار" برای طرح ریزی کودتا علیه کومهله نیبایست محاکمه میشدید؟ به جای ادامه طرح و نقشه توطئه گرانه تان و "برگزاری کنفرانس بازسازی" نیبایست دوران محکومیتتان را در زندان بسر میبردید؟ در یک جامعه نرمال آیا مجبور به استعفا و کناره گیری نه تنها از حزبتان بلکه از عرصه سیاسی میشدید؟ نه تنها جامعه نرمال بلکه برای لحظه ای تصور کنید که اگر اردوگاههای کومهله نه در اطراف سلیمانیه بلکه در منطقه آن سردشت بود و همین کومهله اختیارات دست خودش بود و دادگاه برای رسیدگی به جرائم داشت، آیا فکر نمیکند امثال شما و عمر ایلیخانی زاده به جرم سواستفاده های مالی و تشکیلاتی

و طرح ریزی توطئه و بازداشت و به دادگاه کشانده میشدید؟ خودتان میدانید تنها "زیر برق سر نیزه" اتحادیه میهنی تبرئه شده اید، موقعیت "شخصیت" سر کرده" و "سازمان راه بینداز" پیدا کرده اید. به قول ایرج فرزند که در مناسبتی گفت شما و جریان شما تنها عوارض جانبی "حکومت سلیمانیه" هستیید. خوبست کمی تعمق کنید این "حکومت" و حاکمیت سازمان برادر بزرگوار و محبوبتان مام جلال چندان آینده ای ندارد، مقداری رویتان را کم کنید.



برنامه حزب
کمونیست
کارگری را
بخوانید

به
حزب کمونیست
کارگری ایران
پسینوید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دهمین نشست وسیع کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

رحمان حسین زاده را به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان را به عنوان خزانه‌دار، به اتفاق آرای حاضرین انتخاب نمود و به ترکیب ۷ نفره هیئت اجرایی پیشنهادی از جانب دبیر کمیته کردستان رای اعتماد داد. به این ترتیب عبدالله دارابی، ایرج فرزاد، هلاله طاهری، خالد حاج محمدی، فاتح شیخ‌الاسلامی، اسد نودینیان و رحمان حسین زاده به عنوان هیئت اجرایی کمیته کردستان تعیین شدند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۴ مرداد ۱۳۸۰ (۲۶ جولای ۲۰۰۱)

تاکید شد که لازمست ماهیت قوم پرستانه و باند سیاهی این جریان و سرسپردگی و وابستگی سیاسی آنها به جلال طالبانی و اتحادیه میهنی و بیربطی آنها به گذشته رادیکال و چپ کومله مستدل و روشن از جانب ما به آگاهی عموم مردم تبدیل شود. تبلیغات و خودکفایی مالی کمیته کردستان آخرین مباحث این نشست بودند. نشست دهم کمیته کردستان در بخش دیگری از کار خود،

کادرهای تشکیلات کردستان به عنوان ناظر به این نشست دعوت شده بودند. با حضور تعدادی از کادرهای شورا و مهمانان دیگری در جلسه روز دوم ابتدا موقعیت حزب کمونیست کارگری در کردستان و سیاست ما در قبال حزب دمکرات و کومله بررسی و چارچوب آن تعیین شد. در حاشیه این مبحث در برخورد به انشعاب اخیر از کومله و باند دست ساز جلال طالبانی، ضمن تایید سیاست افشاگرانه و روشن تانکونی، بر این موضوع

نظامی، تشکیلات محل کار و زیست و جهت گیریهای سیاسی و عملی فعالیت ما در شهرها، استانداردها و موازین امنیتی فعالیت، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفتند و در هر یک از این عرصهها تصمیماتی اتخاذ شد. قطعنامه ها و قرارهای پیشنهادی، به هیئت اجرایی کمیته کردستان واگذار شد تا آنها را بررسی و در موردشان تصمیم بگیرد. در روز دوم اعضای شورای

نشست دهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای کمیته کردستان در روزهای سیام و سی‌یکم تیر ۱۳۸۰ (۲۱ و ۲۲ جولای ۲۰۰۱) تشکیل شد. موضوعات سیاسی و تشکیلاتی متعددی در دستور این نشست بود. در روز اول، گزارش هیئت اجرایی بررسی شد، سپس به ترتیب اقدامات سه ماهه آتی کمیته کردستان، جمع بندی از اقدامات تانکونی در عرصه

آینده با دولت فاشیستی عراق لازم است. جریان جلال طالبانی با اسلام سیاسی زاده شده و با مرگ آن زوال خواهد یافت، این "تغییرات" نه تنها ربطی به مردم ندارد، بلکه دور جدیدی از فقر و فلاکت و کشتار را پشت سر خود دارد. سرنویست مردم باید توسط خود مردم تعیین شود. تمام نمایندگان مردم باید قابل عزل باشند. تا زمانی که امثال طالبانی بر مقدرات مردم کردستان عراق حاکم‌اند، مردم نه در برابر حکومت‌های منطقه و نه در مقابل باندهای مرتجع اسلامی امنیت اجتماعی نخواهند داشت، چرا که وضعیت شبیه به اردوگاه آوارگان، ایجاد و تقویت باندهای مرتجع اسلامی و قوم پرست، سرسپردگی به حکومت‌های منطقه، شرط تداوم این نوع حاکمیت است. ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱



صدام به رهبران احزاب کردی، در روز ۱۵ ژوئیه در تلویزیون سراسری عراق پخش شد. قرار است این احزاب سه و نیم میلیون کتاب درسی از عراق و از جانب شخص صدام در روز ۲۱ ژوئیه تحویل گیرند تا در دوره آموزشی سال آینده در مدارس کردستان توزیع شوند. (کردستان ابروور) جلال طالبانی و حزیش، چه در کنار جمهوری اسلامی و چه در کنار دولت ترکیه یا عراق، مسبب فلاکت و محرومیت مردم کردستان می‌باشد. قبله چرخانی از این سو به آن سو، ذره ای از ماهیت سیاست‌های ضد انسانی این باند نمی‌کاهد. انزجار گسترده مردم از جریانات اسلامی در کردستان عراق واقعی است و اما به همان اندازه از همدستان و حامیان چندین ساله آنها یعنی احزاب ینک و پدک متنفر هستند. برای آقای طالبانی "بی لطفی" به احزاب برادر (احزاب اسلامی) برخورد کنند، این زمینه سازی برای گاوبندی

تنها طی دو هفته گذشته در سلیمانیه بروی ۳ زن اسید پاشیدند، در کلار ۲ زن را به بهانه ناموسی به قتل رساندند، در رانیه بینی زنی را بریدند و... علاوه بر کشتن و ترور زنان، ترور و دستگیری و اذیت و آزار کمونیستها و رهبران کارگری، گوشه دیگر از قانون آنها بوده است. سرهنگ نظر علی در دادخواست خود دو سال قبل، علیه حزب کمونیست کارگری عراق، برای "غیر قانونی" کردن آن حزب، دلایلش آن بود که، این حزب از آزادی زنان دفاع میکند که آنها با مذهب اسلام مغایر است، از استقلال کردستان حرف میزند و آنها با منافع دول منطقه مغایر است. مگر با دستور و پول جمهوری اسلامی به مقرهای حزب کمونیست کارگری حمله نظامی نشد؟! پنج تن از کمونیستهای شریف را روز روشن کشتند و انعام این جنایت را از حکومت اسلامی ایران دریافت کردند. این تنها گوشه‌های از کارنامه قتل جنایت (قانون) احزاب ناسونالیست کرد، در طول یک دهه "آزاد شدن" کردستان میباشد.

جلال طالبانی و هم پیمانش اکنون در تدارک پیاده کردن سیاستهای امریکا و ترکیه هستند، با حضور ارتش ترکیه در کردستان قرار است کردستان را بدون دردمر تحویل دولت عراق دهند، این امر از کانال احزاب کردی به پیش میرود، پیامهای عاشقانه صدام و رهبران ناسیونالیست کرد، دیگر درگوشی پیچ پیچ نمیشود، بلکه علنا در رسانه های عمومی ابلاغ میشود. به عنوان مثال پیام صلح و دیالوگ

کارگر و ضد انسانی یک دهه "مجاهدت" آقای طالبانی و حزیش میباشد. به ارشیو روزنامه های خودشان مراجعه کنید تا از حجم همکاریهای رسمی و علنی احزاب اسلامی و احزاب ناسیونالیست کرد، زیر چتر جمهوری اسلامی ایران مطلع شوید، خواهید دید که چرا حلبچه افغانستان شده است!!

قانون احزاب عشیره ای - اسلامی کرد، مخلوطی از شریعت اسلام و سنتها و تمایلات پوسیده عشائری است، هر رهگذری که چند روز در هولیر و سلیمانیه و بقیه شهرهای کردستان عراق گشتی زده باشد، متوجه اختلاف فاحش زندگی طبقات میشود، اکثریت مردم در فقر و تنگدستی وحشتناکی به سر میبرند در مقابل مسئولین احزاب "حاکم" و روسای عشایر و ملاهای مرتج، پول پارو میکنند. برای اکثریت جامعه سیر کردن شکم گرسنه موضوع تلاش سخت روزانه است. در کنار آلودگیهای بدون امکانات اولیه، بیماریهای گوناگون که بچه ها و زن و مرد مسن از آن رنج میبرند، قصرها و کاخهایی ساخته شده که عده ای قلیل از این "زعما" و وابستگانشان در آن زندگی میکنند.

بی حقوقی زنان بند دیگر "قانون" است، قتل‌های ناموسی، گوش و بینی بریدن، اسید پاشی بر زنان، زنده کردن تمایلات مردسالارانه و ناموس پرستی قومی و آن را به جان زنان انداختن همچنان در جریان است. برای نمونه،

نظر به سوی بغداد...
حجاب اجباری، دستگیری و ضرب و شتم به خاطر گوش دادن به موسیقی، کتک کاری و بی حرمتی به جوانان، بردن اجباری آنها به نماز جمعه، قتل‌های ناموسی، و حتی کنترل مردم در خانه هایشان با دوربین که مبادا در حیاط خانه شان بی حجاب باشند. این اعمال ضد انسانی چنین مافیای مسلحی را در کنار فقر و بی حقوقی محض سیاسی و اجتماعی تحمیل شده بر مردم، قرار دهید، تا اندک تصویری از دوزخی که احزاب ناسیونالیست کرد، بر مردم تحمیل کرده اند و آن را "زندگی" مینامند، بدست آورید. اینکه امروز جناب جلال طالبانی علیه برادران اسلامیش اجبارا خود را عصبانی نشان می دهد، برای کسی ناروین نیست. و بازهم در کنار آن مزورانه خامنه ای را دوستدار موسیقی معرفی کردن باز هم قابل توضیح میباشد. صد کیلومتر آنطرفتر از کاخ طالبانی مردم ایران سالها است برای شنیدن و دیدن موسیقی دلخواهشان شلاق میخورند و زندان می شوند و از دست خامنه ای و خدم و حشم اسلام ناچارند که بشقابهای ماهواره ای را مخفی کنند. آقای طالبانی سر در همان آخوری دارد که ملا عثمان و امثالهم دارند. این افغانستان کوچک که اکنون با ژست شکوه آمیز طالبانی روبرو میشود، حاصل سیاست ضد زن، ضد

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel: 0046 739 855 837

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com